

کیمیا

بدون شک مهم‌ترین جریان فرهنگ‌ساز در همه دوران‌های زندگی بشر، جریان مستمر و مؤثری است که پیامبران الهی به راه انداختند. این جریان، با وجود فراز و نشیب‌های متکرر و گوناگون حیات انسانی، همچنان پویایی، سرسرنجی و معنابخشی خود را حفظ کرده و به نقش آفرینی خود ادامه می‌دهد. در طول دوران‌های مختلف، مکتب‌ها، مذاهب، جریان‌ها و شخصیت‌های فراوانی در میان انسان‌ها ظهور کرده و بر مناسبات فرهنگی و اجتماعی‌بخشی از امت‌ها و ملت‌ها تأثیر گذاشته‌اند ولی این تأثیر گذاری‌ها ماندگار نبوده و همه به تاریخ پیوسته و جز نامی از آنها بر جای نمانده است. اما جریان فرهنگ‌ساز پیامبران همواره به عنوان جریانی با اصالت و ریشه‌دار، از تیروس حوادث مضمون مانده و به حیات خود ادامه داده است. سر این امر را جز در اصالت، هماهنگی با فطرت انسانی، خلوص، مردمی‌بودن دعوت انبیا از یک سو و شفافیت، تواضع، خوشنامی، خیرخواهی، اخلاقی نیک و مناعت‌طبیع پیامبران از سوی دیگر نمی‌توان جستجو کرد. یکی از برجسته‌ترین خصائص پیامبران، اخلاص و بی‌نیازی مادی و معنوی آنان از مردم بوده است. پیامبران با وجود تحمل مشقت‌ها و سختی‌های فراوان هیچگاه از مردم مطالبه مال و پاداش نمی‌کردند و همین مناعت، آنان را در چشم‌ها بزرگشان می‌کرد و در دلا خواهی‌شان می‌داد و مردم را به حقیقت دعوت‌نشان باورمندتر می‌کرد. این سبک رفتاری پیامبران در همه فرهنگ‌ها وجود داشت و هرگز نقض نشد. تاریخ زندگی پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هم گواه روشنی بر پارسیایی، مناعت و پاکدامنی اوست و بر این واقعیت تأکید می‌کند که او هرگز در این راه به سود مادی خود و خانواده خود نمی‌اندیشید و آزارها و دشواری‌ها را جز برای خدا و هدایت مردم به جان نخرید. در نوشتار حاضر به یکی از ایاهام و پرشش‌هایی که به سبب برداشت ناقص از برخی آیات قرآن در رابطه سبک رفتاری پیامبر اسلام در موضوع مطالبه مزد از مردم، مطرح شده، پرداخته‌ایم و وجوه و ابعاد مختلف آن را کواویده و حقیقت را به قدر وسع، روشن کرده‌ایم.

برخی‌ها چنین شبهه می‌کنند که در چندین آیه از آیات قرآن آمده است‌که پیامبران از مردم در برابر رسالت خود مزدی نمی‌خواهند و مزد آنها پادخاست و پیامبر اسلام هم از این قاعده مستثنا نیست؛ این بار بر برخی از واقعیات تاریخی و احکام فقهی اسلامی‌ناسازگار است. اولاً از نظر قرآنی و فقهی، انغال و خصمی‌غناثم و دیگر متعلقات خصم، به پیامبر واگذار می‌شود؛ ثانیاً از نظر تاریخی می‌بینیم که دهکنده حاصل‌خیز فسدک در خیبر، در اختیار پیامبر قرار می‌گیرد و او فدک را به دخترش فاطمه (زهراس) می‌بخشد این دو چگونه با هم سازگار است؛ آیا مزدی بالاتر از این تصور می‌شود؟!

یکی از ویژگی‌های مهم و قابل توجهی که قرآن کریم درباره پیامبران الهی مطرح می‌کند این است‌که پیامبران در برابر رزحمانی که برای هدایت و تعلیم قوم خود متحمل می‌شدند، پاداش و مزدی را درخواست نمی‌کردند. پیامبران با صراحت به مخاطبان خود می‌گفتند که ما از شما در مقابل کاری که انجام می‌دهیم مزدی طلب نمی‌کنیم، اجر ما بر خداوندی است که ما را به سوی شما برانگیخته است. در سوره مبارکه شعراء داستان مواجهه برخی از پیامبران با اقوام خود بیان شده است. قرآن کریم از زبان نوح^(ع)، هود^(ع)، صالح^(ع)، لوط^(ع) و شعیب^(ع) حکایات می‌کند که آنها پس از دعوت

پیامبران و پاداش رسالت

قوم خود به ایمان و رعایت تقوا، می‌گفتند: «ما در برابر دعوت خود، از شما مزدی نمی‌طلبیم، مگر ما نیست مگر بر عهده پروردگار جهانیان». در آیه دیگری خطاب به پیامبر اسلام می‌فرماید: «آیا از آن اجری خواسته‌ای که از سنگینی آن در ناراحتی‌اند؟^(۱)». یعنی تو از آنان در برابر دعوت به پاکی و یکپارستگی مزدی نخواستی‌ای که چنین ناراحت و آزرده‌خاطر می‌شوی. در آیه دیگری می‌کنند: «ما از شما چیزی نخواستیم». پس آنچه از قرآن کریم به دست می‌آید و ماهیت دعوت پیامبران هم آن را اقتضا دارد، این است که پیامبران از مردم مزدی نطلبند و کار بزرگ و پرارزش هدایت معنوی و الهی مردم را به چرک بدستستان مادی نیلایند؛ زیرا اگر پیامبر از مردم مزدی بخواهد درخواست او پیامندهای زاینبار فراوانی را برای امر دعوت پیروز پدید می‌آورد؛ از یک سو پیامبر را به مردم نیازمندی می‌کند و این نیازمندی ممکن است شجاعت، صراحت

پیروی از اهل بیت (ع)

پاداش رسالت نبی اکرم (ص)

و مصون ماندن جامعه ایمانی از جنگ‌های داخلی، تفرقه و تشتت می‌شد.^(۲)

حکمت امتیازات مالی پیامبر و امام

۳- پرشش دیگری که در این محث وجود دارد امتیازات مالی پیامبر و امام است؛ اگر پیامبر از مردم مزدی نخواستہ و امامان هم از مردم در برابر امامتشان پاداشی مطالبه نمی‌کنند، پس حکمت امتیازاتی از قبیل، خمس (سهم امام)، اختصاص انفال و غیره به پیامبر و امام چیست؟ در پاسخ به این پرسش باید، هم میان شخصیت حقیقی و حقوقی پیامبر و امام تفکیک قائل شویم و هم میان دشون مختلف شخصیت حقوقی آنها مسئله این است که فرزاردن نیازمند منابع مالی از سوی خداوند برای پیامبر و امام^(۳)



به عنوان پیامبر و امام است یا به عنوان افرادی از جامعه اسلامی؟ آیا جعل این امتیازات برای مصارف شخصی و خانواده‌گی پیامبر و امام است یا برای مصارف اجتماعی آنها؟ از سوی دیگر آیا فرزاردن این امتیازات برای پیامبر به عنوان پیامبر و ابلاغ کننده پیام خداست یا به عنوان حاکم اسلامی؟ نیز چنین امری برای امام آیا به‌عنوان فردی که مفسر احکام اسلامی و مبین ارزش‌ها و آموزه‌های دین است، صورت گرفته یا برای امام به عنوان حاکم جامعه اسلامی قرار داده شده‌است؟ مسلماً جعل امتیازات مالی مذکور در کتب فقهی برای پیامبر و امام نه برای مصارف شخصی آنهاست و نه برای آنها به‌عنوان پیامبر‌آور از سوی خدا و مبین احکام اسلام صورت گرفته است. وجوب پرداخت خمس از سوی مؤمنان به پیامبر و امام و نیز لزوم تصرف خالص پیامبر و امام در انفال از زمین‌های موت، معادن، جنگل‌ها… و دیگر امتیازات مالمی، برای پیامبر و امام به عنوان حاکم جامعه و ولی امر مؤمنان مقرر شده است.
حکم اسلامی، همانند دیگر حاکمان، برای اداره جامعه و سامان‌دادن به نیازهای گوناگون امت اسلامی، نیازمند منابع مالی کافی است. نیازهایی از قبیل تأمین امنیت داخلی و خارجی، رسیدگی به امور اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه از طریق سازمندی نیروهای اجتماعی، رسیدگی به تهیدستان و گروه‌های اجتماعی آسیب دیده، و… تأمین چنین نیازهایی یقیناً مستلزم وجود منابع مالی کافی است. اگر حاکم اسلامی منابع مالی کافی برای اداره سازمان اداری

فدک از سوی پیامبر به دخترش فاطمه زهرا(ص) را فهم کنیم، روال تبیین شده و تعیین شده از سوی پیامبر این بود که پس از رحلت ایشان، امامت و ولایت جامعه اسلامی در خانواده ایشان و مشخصاً در شخص امام علی(ع) استیمرار یابد.

نیازمات امامت برای اجرای برنامه‌ها و تحقق اهداف خویش نیازمند منابع مالی و نیروی انسانی کافی است. پنهان نیست که فرامهاوردن نیروی انسانی کارآمد و بانگیزه جز با تأمین نیازمندی‌های گوناگون آن تحقق یافتنی نخواهد بوده نهاد امامت حتی اگر به حاکمیت سیاسی جامعه دست پیدا نکند، باز هم برای انجام وظایف فرهنگی و اجتماعی خود نیازمند منابع مالی است و بدون آن، تلاش‌ها برای تحقق

روایات و گزارش‌های متعدد تاریخی گواه این واقعیت است که امام علی(ع) در دوران حیات مبارکش، صدها حلقهٔ چاه آب، مزرعه و باغ پدید آورد، اما همه را وقف فقرا کرد و خود و خانواده‌اش با سستی و قناعت زندگی می‌کردند. دیگر امامان(ع) نیز همواره از دسترنج خود برای گذران نیازمندی‌های زندگی بهره می‌جستند و اموالی که به عنوان خمس به آنها می‌رسید صرف فقیران و نیازمندان و ترویج فرهنگ اسلامی می‌کردند.

اهداف ارزشمند دین و انجام وظایف اجتماعی و فرهنگی با ناکامی و کم‌توفیقی رو برو خواهد شد. زندگی شخصی و خانوادگی پیامبر، امام علی و فرزندان بزرگوار او گواه این حقیقت است که آنان هرگز به زبورها زینت‌ها و زخارف مادی دنیا لوده نشدند و همواره همیای توده ضعیف جامعه و هم‌سنگ اکثریت مردم فققر و عسرت و گاهی با مفسد زینستی ملتان زرنی زندگی کرده‌اند؛ حتی امامانی مانند امام حسن، امام حسین، امام باقر و امام صادق(ع) که در دوره کشایش و رفاقی نسبی جامعه اسلامی می‌زیستند، زندگی را با سادگی و پرهیز از رفاه و تجمل می‌گذراندند و هرچه از اموال شخصی و وجوهات شرعی در دست آنها بود در راه رسیدگی به تهیدستان و نشر معارف اسلامی هزینه می‌کردند. روایات و گزارش‌های متعدد تاریخی^(۱) گواه این واقعیت است که امام علی(ع) در دوران حیات مبارکش، صدها حلقه چاه آب، مزرعه و باغ وید پدید آورد، اما همه را واقف فقرا کرد و خود و خانواده‌اش با سستی و قناعت زندگی می‌کردند. دیگر امامان(ع) نیز همواره از دسترنج خود برای گذران نیازمندی‌های زندگی بهره می‌جستند و اموالی که به عنوان خمس به آنها می‌رسید صرف فقیران و نیازمندان و ترویج فرهنگ اسلامی می‌کردند. بنابراین نه مطالبه مزد از سوی پیامبر، به فرغی درخواست پاداش مادی در برابر نعمت تطمیع و بی‌ظنلیر رسالت است و نه فرزاردن امتیازات مالی برای پیامبر و امام، برای مصارف شخصی آنها و امتیاز شخصی نسبت به دیگر مؤمنان معصوم می‌شود.

*** مرکز مطالعات و پاسخویی به شبهات**

زندگی شخصی و خانوادگی پیامبر، امام علی و فرزندان بزرگوار او گواه این حقیقت است که آنان هرگز به زبورها، زینت‌ها و زخارف مادی لوده نشدند و همواره همیای توده ضعیف جامعه و هم‌سنگ اکثریت مردم با فقر و عسرت و گاهی با ساده زیستی مثال‌زدنی زندگی کرده‌اند؛ حتی امامانی مانند امام حسن، امام حسین، امام باقر و امام صادق(ع) که در دوره کشایش و رفاه نسبی جامعه اسلامی می‌زیستند، زندگی را با سادگی و پرهیز از رفاه و تجمل می‌گذراندند و هرچه از اموال شخصی و وجوهات شرعی در دست آنها بود، در راه رسیدگی به تهیدستان و نشر معارف اسلامی هزینه می‌کردند.

جامعه و تحقق برنامه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی خود نداشته باشد، عملاً در انجام امور عادی حکومت و رسیدن به اهداف معقول آن شکست خواهد خورد و نه تنها جامعه اسلامی دچار آسیب‌های جدی می‌شود که دین هم در عرصه اجتماعی با شکست اهداف خود روبه‌رو می‌شود. زیرا بخش فراوانی از احکام و آموزه‌های اسلامی، ماهیت اجتماعی دارد و تنها در صورت استقرار جامعه اسلامی و به تبع آن، برپایی حکومتی مبتنی بر قواعد اسلامی و با هدف تحقق ارزش‌ها و احکام اسلامی، دست یافتنی است.
فدکه، پناهه ذخیره مالی راهبردی امامت
بر پایه آنچه گفتیم بهتر می‌توانیم ماجرای بخشش

اخلاص، راه عبودیت
در آیات قرآن اخلاص یعنی اینکه آدمی تنها خداوند را در کارها و زندگی‌اش در نظر داشته باشد، به معنویان راه عبودیت یاد شده است. حضرت ابراهیم(ع) می‌فرماید: همه زندگی از نماز و عبادت و خواب و خوراک و نتسخت و برخواستم برای خداست… ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتلی لرب العالمین(انعام، ۱۶۲)
بر همین راه و روش است که اهل‌بیت(ع) به مقاماتی دست می‌یابند که خداوند در سوره انسان (دهر) بدان پرداخته است؛ زیرا آنان همه زندگی را بر اساس وجه‌الله تنظیم کرده‌اند و در هیچ موردی وجه‌الدنیا و وجه‌الخلقی و یا وجه خودی مراد و مطلوب عمل آنان نیست.
اخلاص است که آدمی را به کمال مطلق می‌رساند و هرگونه مجراع و سبیسر و سلوکی بدان تحقق می‌یابد. با این نظر می‌توان گفت که عبودیت‌خداوند منحصر فر پرستشی وی به شکل ایبی‌های خاصی نیست بلکه اگر کسی هزاندت پیامبران واصل از جمله حضرت ابراهیم(ع) زندگی و خواب و خوراک خویش را همانند عبادت خویش لوجه‌الله و از روی اخلاص به جا آورد در این روایات از امام صادق نقل شده است و پرستشگر خواهان آگاهی به حقیقت عبودیت می‌باشد.
روی می‌گوید: گفتیم: یاایضالله، حقیقت عبودیت چیست؟ فرمود: به سه چیز می‌توان این حقیقت را دریافت. یکی اینکه بندگان آنچه را که خداوند به آنها بخشیده است در گام خود ندادند، زیرا بندگان خدا مالک نیستند و هرچه از خدا می‌یابند و هرچا خدا امر کند باید بخرج کنند.
اینکه بندگان‌دهای هرگز قدرت ندارد با فکر و اندیشه خود کارهای خود را اداره کنند، سوسم اینکه هرچه خداوند به او امر کرده و یا از نهن چیز کرده به کار گیرد و او اומר و نواهی خدا سر باز زند.
هرگاه بندهای چیزی را مالک خود ندانند مال را انفاع می‌کند.

هرگاه بندهای امور خود را به خداوند واگذار و بفهمد که با عقل و تدبیرش نمی‌تواند امور خود را آن‌طور که هست اداره کند، گرفتاری‌های دنیا و مصائب آن بر او گوارا می‌شود، هرگاه بندهای به اوامر و نواهی خداوند گزند دیگر با مردم جلال و مناقشه نمی‌کند و آنها را از آزار نمی‌هد.(مشکاالاتوار، ترجمه عطاردی، ص: ۳۸)

چراغ راه

شاخص بهترین انسان‌ها

قال‌النبی(ص): «خبراکم احسنکم اخلاقا، الذین یألّفون و یؤلّفون».
پیامبر اکرم(ص) فرمود: بهترین شما آن کسی است که خلق و خوی پسندیده داشته باشد، کسی که با دیگران رابطه لغت و دوستی دوطرفه ایجاد می‌کند.^(۱)

۱- مشکاة الانوار، ص ۳۱۶

حکایت خوبان

روحیه خوارج در زمان پیامبر (ص) و خروج از دین
«بوسعید خبری» نقل می‌کند: پس از اتمام یکی از جنگ‌ها، پیامبر(ص) شروع به تقسیم غنائم کرد. مردی از «بنی تمیم» پیش آمد و با لجاجت و عناد گفت: ای رسول خدا چرا در تقسیم غنائم مراعات عدالت را نمی‌کنی؟ یا رسول خدا(ص) فرمود: وای بر تو، اگر من عادل نباشم، پس چه کسی را می‌توان گفت که عادل است؟! مسلمانان که از این جساتر به خشم آمده بودند، از حضرت خواستند که اجازه قتل آن شخص جسور را بدهد. حضرت آنها را منع فرمود، و گفت: آگاه باشید که این شخص با دوستان خودش، مسلک انحرافی دارند، و علت آن افراط و زیادهروی در مسایل دینی است. همان‌طور که تیز از کمان با سرعت خارج می‌گردد، آنها نیز در دین خارج خواهند شد!ا بوسعید خبری گوید: سالها بعد و در نبره با خوارج همراه امیرالمؤمنین(ع) و پس از پیروزی بر خوارج، آنچه را رسول خدا(ص) پیش‌بینی کرده بود، یافتیم.^(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۱، ص ۶۸ ح ۱۲۷

پرشش و پاسخ

اهداف بعثت و الهام‌بخشی به حکومت‌ها
پرشش:
فلسفه بعثت پیامبر اکرم (ص) و اهداف آن چه بود و حکومت‌ها چگونه می‌توانند از این آموزه‌های وحیانی در حسن اداره و شیوه حکمرانی خود بهره‌برداري کنند؟
پاسخ:

مفهوم‌بعثت
مبعث در اصطلاح اسلامی به روزی گفته می‌شود که پیامبر اکرم(ص) به پیامبری برگزیده شد. این اتفاق در ۴۰ سالگی پیامبر(ص) در غار حراء واقع در کوه نورا (نزدیک شهر مکه)، روی داده، و سرازیر این اسلام بود. بعثت در فرهنگ قرآنی به معنای عامل برانگیختن و رسانیدن به مرحله‌ای خاص از تکامل است که در آن نوعی تحول وجود دارد.

فلسفه بعثت پیامبر (ص)
همان فلسفه بعثت انبیای الهی در طول تاریخ بشر است، با این تفاوت که فلسفه خاتم‌الانبیاء دیگر پیامبران الهی این است که او برنامه پیامبران گذشته را تکمیل نموده، و بدین جهت نبوت به آن حضرت ختم می‌گردد.

با عنایت به این نکته، می‌توان فلسفه مبعث را از نگاه قرآن در سه عنوان که حاکی از یک واقعیت‌اند خلاصه کرد:
۱- دعوت به خدا (ان اعبداالله)
۲- پرهیز و دوری از طاغوت (واجتنبوا طاغوت)
۳- تکامل انسان

اهداف بعثت
۱- خداپرستی و پرهیز از طاغوت
از اهداف زیربنایی و بنیادین بعثت انبیا و خاتم‌الانبیاء فراخوانی و دعوت مردم به پرستش خدای یگانه و دوری از طاغوت و مظاهر آن است. قرآن کریم می‌فرماید: ما در هر امتی پیامبری برانگیختیم تا به آنان بگویند خدا را بپرستید، و در پرستش غیرخدا (طاغوت) خودداری کنید. پس گروهی هدایت یافتند و گروه دیگر (از طریق عناد و لجاجت) شایسته گمراهی و ضلالت شدند.(نحل- ۳۶)

۲- تعلیم کتاب و آموزش حکمت
یکی دیگر از اهداف بعثت پیامبران، آموزش کتاب آسمانی و حکمت معرفی شده است. البته مقصود از کتاب، کتاب هر پیامبری است که با آن مبعوث شده است. مانند: «صحف» نسبت به نوح(ع) و ابراهیم(ع) و تورات و انجیل نسبت به موسی(ع) و «سپح» و قرآن نسبت به پیامبر اکرم(ص) و مقصود از آموزش حکمت، آن آموزه‌ها و دستورات حکیمانه الهی است که ضامن سعادت انسان در دنیا و آخرت می‌باشد.

۳- پرپایی عدل و قسط
یکی از دیگر از اهداف بعثت پیامبران و ارسال کتاب‌های آسمانی، تحقق قسط و عدالت در میان جوامع انسانی بیان شده است. قرآن می‌فرماید: ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنان کتاب و میزان فرو فرستادیم تا مردم به قسط و عدل قیام کنند.(حدید-۲۵)

۴- نجات و رهایی از گمراهی‌ها

نجات و رهایی از ظلمات و تاریکی‌ها و رسیدن به وادی نور و هدایت الهی یکی دیگر از اهداف بعثت پیامبران است. قرآن کریم می‌فرماید: «این کتاب را برای تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی به فرمان پروردگارتان درآوریم، به سوی خداوندی که شکست‌ناپذیر و ستوده است.(ابراهیم-۱)

۵- تکامل عقل

یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران، تکامل عقلانی بشر در پرتو آموزش و پرورش است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: خداوند هیچ پیامبر و رسولی را جز بر تکمیل خرد و عقل مبعوث نفرموده و عقل و خرد او بالاتر از عقول امت وی است.(الکافی، ج ۱، ص ۳۰، ج ۱۱۳)

۶- تعالی اخلاق

رشد و تعالی اخلاق و آداب اجتماعی، یکی دیگر از اهداف بعثت پیامبران است. پیامبر اکرم(ص) فرمود: من برای تکمیل اصول و کرامت‌های اخلاقی و انسانی مبعوث شد.م(مکارمالاخلاق، ص ۹)

۷- دوری در اختلاف‌های مردم

مردم آدمی یگانه بودند، پس خداوند پیامبران را بنیادآور و بی‌هم‌پنده برانگیخت و با آن کتاب خویش را حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف می‌ورزند، داوری کند.(بقره-۱۱۳)

۸- آادی اروری نعمت‌ها(اعراف-۶۹)

۹- آزادی انسان(اعراف-۱۵۷)

۱۰-...

این اهداف بعثت الهام‌بخشی به حکومت‌ها برای تحقق عملی آنها در اداره کشور و شیوه حکمرانی دارد و هر حکومتی که نتواند این اهداف و آموزه‌های وحیانی را بهتر در جامعه پیاده کند، به آرمان‌های الهی و عقلانی نزدیک‌تر است و ثبات و دوام آن بیشتر خواهد بود.

سلوک پیامبران

عرفان مغایر با شریعت، عرفان الهی نیست!

هرگز منصور نیست که حکیم علی‌الاطلاقی راه شریعت را که در همه جا راه خود معرفی نموده اراده نکند و به جای آن به راهی که هرگز بیان نکرده است و برای مردم مجهول است دعوت نماید و بر تقدیر اینکه راه شریعت را اراده کرده باشد و این همه اصرار را در سلوک آن کند، هر راهی که بی‌مؤذن آن مستلزم اهمال یا لغاء راه شریعت یا بخش‌هایی از راه شریعت باشد، راه خدا نیست^(۱)

۱- تفسیر المیزان، علامه طباطبائی(ره)، ذیل آیه ۱۹ سوره مائده



اهداف بعثت و الهام‌بخشی به حکومت‌ها
پرشش:
فلسفه بعثت پیامبر اکرم (ص) و اهداف آن چه بود و حکومت‌ها چگونه می‌توانند از این آموزه‌های وحیانی در حسن اداره و شیوه حکمرانی خود بهره‌برداري کنند؟
پاسخ:

مفهوم‌بعثت
مبعث در اصطلاح اسلامی به روزی گفته می‌شود که پیامبر اکرم(ص) به پیامبری برگزیده شد. این اتفاق در ۴۰ سالگی پیامبر(ص) در غار حراء واقع در کوه نورا (نزدیک شهر مکه)، روی داده، و سرازیر این اسلام بود. بعثت در فرهنگ قرآنی به معنای عامل برانگیختن و رسانیدن به مرحله‌ای خاص از تکامل است که در آن نوعی تحول وجود دارد.

فلسفه بعثت پیامبر (ص)
همان فلسفه بعثت انبیای الهی در طول تاریخ بشر است، با این تفاوت که فلسفه خاتم‌الانبیاء دیگر پیامبران الهی این است که او برنامه پیامبران گذشته را تکمیل نموده، و بدین جهت نبوت به آن حضرت ختم می‌گردد.

با عنایت به این نکته، می‌توان فلسفه مبعث را از نگاه قرآن در سه عنوان که حاکی از یک واقعیت‌اند خلاصه کرد:
۱- دعوت به خدا (ان اعبداالله)
۲- پرهیز و دوری از طاغوت (واجتنبوا طاغوت)
۳- تکامل انسان

اهداف بعثت
۱- خداپرستی و پرهیز از طاغوت
از اهداف زیربنایی و بنیادین بعثت انبیا و خاتم‌الانبیاء فراخوانی و دعوت مردم به پرستش خدای یگانه و دوری از طاغوت و مظاهر آن است. قرآن کریم می‌فرماید: ما در هر امتی پیامبری برانگیختیم تا به آنان بگویند خدا را بپرستید، و در پرستش غیرخدا (طاغوت) خودداری کنید. پس گروهی هدایت یافتند و گروه دیگر (از طریق عناد و لجاجت) شایسته گمراهی و ضلالت شدند.(نحل- ۳۶)

۲- تعلیم کتاب و آموزش حکمت
یکی دیگر از اهداف بعثت پیامبران، آموزش کتاب آسمانی و حکمت معرفی شده است. البته مقصود از کتاب، کتاب هر پیامبری است که با آن مبعوث شده است. مانند: «صحف» نسبت به نوح(ع) و ابراهیم(ع) و تورات و انجیل نسبت به موسی(ع) و «سپح» و قرآن نسبت به پیامبر اکرم(ص) و مقصود از آموزش حکمت، آن آموزه‌ها و دستورات حکیمانه الهی است که ضامن سعادت انسان در دنیا و آخرت می‌باشد.

۳- پرپایی عدل و قسط
یکی از دیگر از اهداف بعثت پیامبران و ارسال کتاب‌های آسمانی، تحقق قسط و عدالت در میان جوامع انسانی بیان شده است. قرآن می‌فرماید: ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنان کتاب و میزان فرو فرستادیم تا مردم به قسط و عدل قیام کنند.(حدید-۲۵)

۴- نجات و رهایی از گمراهی‌ها

نجات و رهایی از ظلمات و تاریکی‌ها و رسیدن به وادی نور و هدایت الهی یکی دیگر از اهداف بعثت پیامبران است. قرآن کریم می‌فرماید: «این کتاب را برای تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها به سوی روشنائی به فرمان پروردگارتان درآوریم، به سوی خداوندی که شکست‌ناپذیر و ستوده است.(ابراهیم-۱)

۵- تکامل عقل

یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران، تکامل عقلانی بشر در پرتو آموزش و پرورش است. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: خداوند هیچ پیامبر و رسولی را جز بر تکمیل خرد و عقل مبعوث نفرموده و عقل و خرد او بالاتر از عقول امت وی است.(الکافی، ج ۱، ص ۳۰، ج ۱۱۳)

۶- تعالی اخلاق

رشد و تعالی اخلاق و آداب اجتماعی، یکی دیگر از اهداف بعثت پیامبران است. پیامبر اکرم(ص) فرمود: من برای تکمیل اصول و کرامت‌های اخلاقی و انسانی مبعوث شد.م(مکارمالاخلاق، ص ۹)

۷- دوری در اختلاف‌های مردم

مردم آدمی یگانه بودند، پس خداوند پیامبران را بنیادآور و بی‌هم‌پنده برانگیخت و با آن کتاب خویش را حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف می‌ورزند، داوری کند.(بقره-۱۱۳)

۸- آادی اروری نعمت‌ها(اعراف-۶۹)

۹- آزادی انسان(اعراف-۱۵۷)

۱۰-...

این اهداف بعثت الهام‌بخشی به حکومت‌ها برای تحقق عملی آنها در اداره کشور و شیوه حکمرانی دارد و هر حکومتی که نتواند این اهداف و آموزه‌های وحیانی را بهتر در جامعه پیاده کند، به آرمان‌های الهی و عقلانی نزدیک‌تر است و ثبات و دوام آن بیشتر خواهد بود.

عرفان مغایر با شریعت، عرفان الهی نیست!

هرگز منصور نیست که حکیم علی‌الاطلاقی راه شریعت را که در همه جا راه خود معرفی نموده اراده نکند و به جای آن به راهی که هرگز بیان نکرده است و برای مردم مجهول است دعوت نماید و بر تقدیر اینکه راه شریعت را اراده کرده باشد و این همه اصرار را در سلوک آن کند، هر راهی که بی‌مؤذن آن مستلزم اهمال یا لغاء راه شریعت یا بخش‌هایی از راه شریعت باشد، راه خدا نیست^(۱)

۱- تفسیر المیزان، علامه طباطبائی(ره)، ذیل آیه ۱۹ سوره مائده